



« ۱ »

مقدمه

همکار گرامی آقای دکتر محمودیان با شماره اشتراک ۱۵۷۵۸ مطلبی تحت عنوان «شکست آیین نامه داروخانه‌ها» برای نشریه ارسال کرده‌اند که بی‌مناسبت ندیدیم تا در این صفحه به عنوان دیدگاه یکی از خوانندگان به چاپ رسانیم. قاعدتاً هر دیدگاهی می‌تواند در مخاطبین انگیزه ایجاد کند تا آن‌ها نیز دیدگاهشان را بیان نمایند و اصولاً نشریه رازی همیشه سعی کرده بازگو کننده نظریات همکاران باشد. ضمن مطالعه دیدگاه همکارمان آقای دکتر محمودیان، چشم به راه اظهار نظر خوانندگان پیرامون این مطلب هستیم.

«سردبیر»

« شکست آیین نامه داروخانه‌ها! »

در آبان ماه ۷۸ پس از سال‌ها تاخیر مدارک متقاضیان تاسیس داروخانه در شهر تهران توسط دانشگاه شهید بهشتی جمع‌آوری شد. در اعلامیه شهریور ۷۹ در روزنامه اطلاعات، آن دانشگاه اعلام نمود که تعداد متقاضیان چهار هزار نفر می‌باشند که با توجه به آیین نامه عدم صدور مجوز برای غیرداروساز آن دانشگاه

می‌باید اعلام می‌کرد فقط هزار و ششصد نفر متقاضی داروساز وجود دارد. تعلل عمدی در بررسی مدارک و اطلاعات کذب فوق باعث گشت تا سرانجام در اسفند ۷۹ که قیمت پروانه‌ها به ۴ برابر افزایش یافته بود تعدادی مجوز صادر شود. ذی‌نفوذان در وزارت بهداشت منتظر افزایش قیمت‌ها بودند تا بتوانند مجوز خود را با قیمت‌های کلان بفروشند. در بهمن ۸۰

آیین نامه داروخانه‌ها تغییر یافت و نوبت به منفعت‌طلبی عده‌ای دیگر رسید. امروز پس از گذشت ۴ سال و علی‌رغم صدور حدود هزار مجوز، قیمت پروانه‌ها سیر صعودی داشته و به ۷ برابر قیمت اولیه رسیده است. از طرفی مجوزها و پروانه‌ها هم‌چنان به صورت محضری خرید و فروش شد و شمار مجوزهای اجاره‌ای برخلاف قانون افزایش یافت. از سوی داروسازانی که طرح‌ها و تعهدات خدمتی را در شهرهای ۳۰ و ۴۵ امتیازی گذرانده بودند براساس قانون وقت، امتیاز لازم برای کسب مجوز یا خرید داروخانه نداشتند و در بلا تکلیفی ماندند. فارغ‌التحصیلان جدید جهت کسب امتیاز به مناطق محروم رفتند و اکنون به شهر خود بازگشتند و شهرهای بینابینی خالی از داروساز ماند. داروخانه‌داران بومی مناطق محروم با حفظ داروخانه خود در شهرهای بزرگ‌تر مجوز مجدد گرفتند و به شهرهای بزرگ‌تر رفتند.

به‌درستی ثمره آیین‌نامه جدید چه بود؟ افزایش قیمت پروانه‌ها، خرید و فروش محضری مجوزها، اجاره مجوزها، خالی بودن شهرهای بینابینی از داروساز، افزایش نامتعارف داروخانه در شهرهای بزرگ، مشکلات نقل و انتقال سرمایه داروخانه، پایمال شدن حق داروسازان میان سال که دیگر توان بازگشت مجدد به مناطق محروم و گذراندن مجدد طرح و دوری از شهر بومی را نداشتند و استثمران آنان توسط دیگر داروسازان!!، تعلل در بررسی مدارک متقاضیان به طوری که مثلاً دانشگاه تهران حدود ۲/۵ سال است که مدارک متقاضیان داروخانه در اسلام شهر را جمع‌آوری کرده ولی

هنوز مجوزی صادر نشده که این امر به افزایش قیمت پروانه‌ها منجر شده است. با تغییر وزیر بهداشت و با افزایش اختیارات نظام پزشکی امید می‌رود ضوابط عادلانه‌ای تعیین شود.

باید ظرفیت دانشگاه‌ها را کم نمود و به هر داروسازی در روز فارغ‌التحصیلی در شهر بومی مجوز تاسیس داروخانه داد و مشکل سرمایه را به خود او واگذار کرد نه به سرمایه‌داران. برای تامین داروخانه (نه داروساز) در شهرهای دوردست باید ضوابط تشویقی نه اجباری مانند وام، معافیت از مالیات، سود بیشتر دارو و افزایش مارژین داروخانه در مناطق محروم تعیین نمود. به داروسازانی که به هر علتی همچون کهولت سن، راحت‌طلبی سفر به خارج، چندشغلی بودن و ... از کمبود داروساز مسئول فنی می‌نالند باید گفت که لزومی ندارد که شما هم داروخانه داشته باشید. باید بخش خصوصی را از بخش دولتی جدا نمود تا کارمندان وزارت بهداشت رانت‌خواری نکنند به عبارتی به داروسازان شاغل در بهداری نباید مجوز داروخانه داد.

حالا کمی از قانون بگوییم. منع تاسیس و یا خرید داروخانه در محل دلخواه برای داروسازان در واقع نوعی اعمال محدودیت در آزادی‌های فردی و مغایر با اصول ۲۸ و ۳۳ قانون اساسی است. به استناد ماده ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی هر کس پروانه خود را به هر شکل اعم از اجاره در اختیار دیگری قرار دهد پروانه او می‌باید باطل شود. قوانینی که به نفع ذی‌نفعان در وزارت بهداشت نیست و هیچ وقت اجرا نشده است.